

# تحلیل انیمیشن عروسک‌های زشت

UglyDolls



نویسنده: مهتاب عرب‌زاده  
ویراستاری: سمیه صادقی



تصور کنید در شهری زندگی می‌کنید که همه چیز خیلی خوب اما خارج از حالت استاندارد است، با صورت و اندام‌های عجیب و شخصیت‌های فوق‌العاده مثبت مواجه می‌شوید، معماری شهر شما منعطف و دارای رنگ‌های تند و گرم است، هیچ محدودیتی در این شهر وجود ندارد و همه‌ی افراد با هر ظاهری در کنار یکدیگر شاد و آزاد زندگی می‌کنند. ولی بنا بر وجودتان، رسالت خود را در دنیای دیگری جست‌وجو می‌کنید و چیزی که باید برایتان اهمیت داشته باشد باور به آن رسالت درونی است که می‌تواند شما را در مسیر هدف، عمل و نتیجه قرار دهد و لازم است بدانید وقتی شما در این مسیر ارزشمند قرار می‌گیرید ممکن است بارها احساس شکست و تنهایی کنید و حتی در ادامه؛ افرادی سد راهتان شوند و شما را دلسرد کنند. تصمیم شما چیست؟ می‌مانید و در حسرت رویاها به زندگیتان ادامه می‌دهید و یا برای رسیدن به رسالت خود قدم‌های محکم برمی‌دارید؟

حالا که درک کرده‌اید در این انیمیشن قرار است با چه مفاهیم مهمی رو به رو شویم بهتر است شما را با عروسک‌های زشت و شهر آگلی ویل آشنا کنیم. در این شهر از نظر ظاهری هیچی مثل یک شهر عادی نیست، و چیزهایی که در آن بیشتر از شهرهای ما وجود دارد، همدلی و مهربانی، شجاعت و امیدواری عروسک‌ها است.

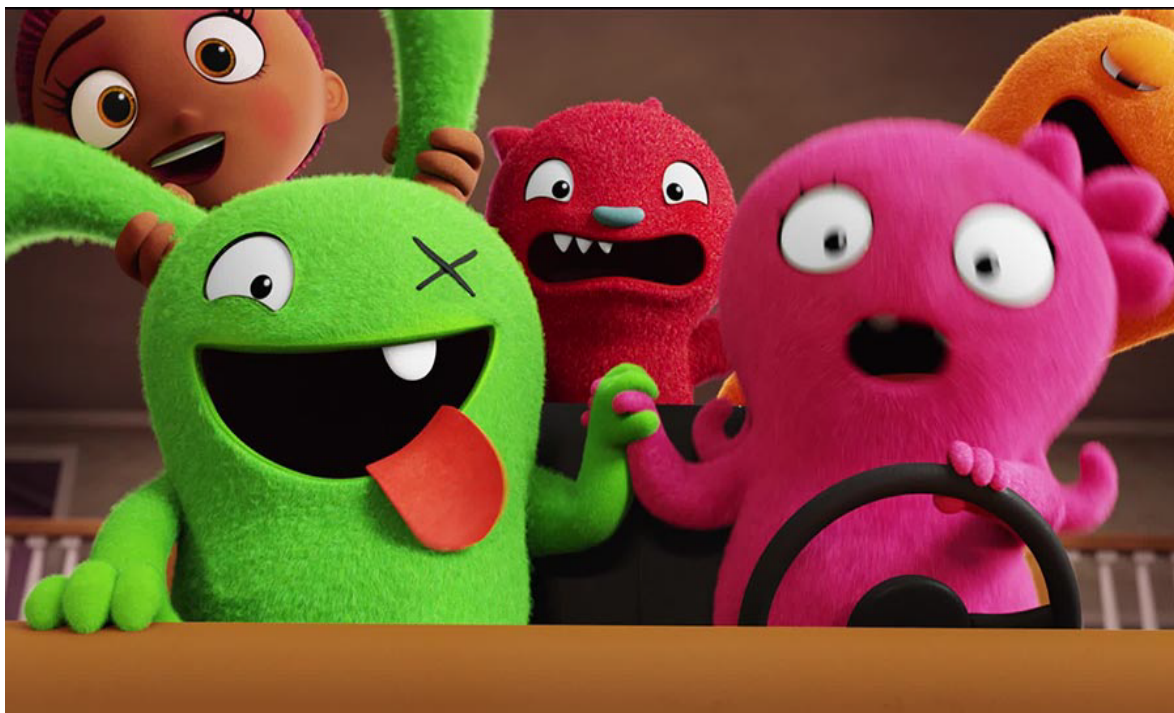
ماکسی (شخصیت اصلی) یک عروسک مهربان است که رسالت خود را رسیدن به دنیای واقعی انسان‌ها و دوستی و ایجاد یک رابطه همیشگی با کودکان، می‌داند و باقی دوستانش این را یک رؤیای دست نیافتنی تصور می‌کنند و چندان باوری به آن ندارند، اما در میان این اهالی، ماکسی همیشه خندان؛ با مثبت‌اندیشی و شجاعت سعی در رسیدن به هدف خود دارد، او منتظر است، منتظر روزی که خود را در دنیای واقعی ببیند اما باید بدانیم که باورداشتن و منتظر ماندن کافی نیست حتی اگر هر روز را با خوش‌بینی و مثبت‌اندیشی آغاز کنیم. چیزی که وجودش اجبار است، اقدام و عمل در جهت رسیدن به اهداف می‌باشد.

بعد از باور و امیدواری، بهترین سکانس طلایی دقیقاً زمانی اتفاق می افتد که ماکسی تصمیم می گیرد برای رقم زدن آرزویش، دست روی دست نگذارد و منتظر دستی برای انتخاب شدن نباشد. و تا به این لحظه مخاطب می تواند از روند روایی انیمیشن به تأثیر حرکت خود برای رسیدن - و نه از روی حرکت ستارگان و صرفاً آرزوها - پی ببرد.

ما پیام های مهم این انیمیشن را در عملکرد و انتخاب های ماکسی و مسیری که او برای رسیدن به هدف طی می کند، دریافت می کنیم. چرا که در ادامه ی ماجرا ما با دنیایی دیگر، به نام مؤسسه ی کمال روبه رو می شویم، دقیقاً برعکس شهر آگلی ویل، اینجا همه چیز طبق قوانین سخت، رقابت برای بی نقص بودن و استاندارد های عالی ظاهری است. در اینجا عروسک ها که از لحاظ صورت تفاوتی با یکدیگر نداشتند با تمام وجود سعی می کردند تا نقاط ضعف خود را پنهان کنند و چنان برای حفظ ظاهر خود تلاش کردند که گویی انسان هایی بودند از دنیای عروسک ها. و سختی داستان زمانی است که ماکسی و دوستانش باید از این مؤسسه ی کمال با موفقیت گذر کنند تا بتوانند به دنیای واقعیت برسند.

در این بخش انیمیشن ما متوجه دوگانگی ها و تضادها می شویم، چه از نظر ظاهری و چه از نظر رفتاری. در تقابل میان عروسک ها، مفاهیمی چون زشتی و زیبایی، محبت و کینه ورزی، تفاوت ها و شباهت ها، خودخواهی، خودبینی و شفقت ورزی، تحقیر، تمسخر و تشویق، ظهور می کنند. دقیقاً مانند جنگی میان دو قطب عروسکی. بهترین و تنهاترین سلاح عروسک ها برای پیروزی در این نبرد، داشتن خودآگاهی و باور به آن است.





در سکانس‌های زیادی از این انیمیشن می‌شنوید که کمال در زیبایی است اما منظور زیبایی سیرت نیست بلکه صرفاً زیبایی صورت است، و زمانی که ما فقط بر زیبایی صورتمان توجه داریم، به احتمال زیاد ممکن است از زیبایی‌های رفتاری غافل شویم و عزت نفس و احساسات و افکارمان به راحتی تحت تأثیر قرار بگیرد. پس با توجه به موارد ذکر شده از نظر ما کمال در باور به خودمان است، باور به تک‌تک ویژگی‌های فردی و نقاط قوت و ضعف و توانمندی‌هایی که داریم، چراکه به قول 'مندی' (عروسک مؤسسه‌ی کمال که با ماکسی همراه است) تفاوت‌های ماست که باعث درخشش ما می‌شوند.

حتی در قسمتی که مندی از تفاوت‌های خود با دیگران ناراحت است از ماکسی می‌شنویم که به او می‌گوید: 'عینکت خیلی خاصه، تو رو تبدیل به خودت کرده.'

چه خوب است که در همین نقطه از فیلم، از فرزندانمان بپرسیم چه چیزهایی در وجودش هست که او را تبدیل به خودش کرده است؟ و در نهایت برای پاسخ‌هایی که می‌دهد ارزش قائل باشیم و به نظراتش احترام بگذاریم.

انیمیشن جذاب عروسک‌های زشت با تمام مفاهیم عمیق و قشنگی که دارد می‌خواهد بگوید زیبایی عروسک‌ها در مهربانی و شخصیت آن‌ها بود، برای ما روشن می‌کند که زیبایی‌های بیرونی با اینکه خوب هستند اما نجات‌دهنده‌ی ما در خیلی از موارد از جمله رسیدن به رؤیایها نیستند که ما بخواهیم به خاطر عدم وجود آن، خودمان را بی‌ارزش تلقی کنیم یا به دیگران اجازه‌ی تمسخر و تحقیر دهیم و در نهایت به خاطرشان خودمان را بیازیم. بلکه باید به درخشش الماس‌های وجودمان توجه کنیم و عمیقاً خودمان را دوست داشته باشیم و با یک باور راسخ، در تحقق اهدافمان کوشا باشیم.



پردازش شخصیت‌های دیگر انیمیشن به نسبت دنیای امروز تا حدود زیادی قرابت دارد. برای مثال شهردار می‌تواند نماد قدرت برای یک جامعه‌ی امروزی باشد و گاهی تلاش هر مسؤؤل برای عدم آگاهی شهروندان حتی با نیت خیرخواهانه پیامد خوبی به همراه ندارد. همراهی دوستان ماکسی در مسیر ماجراجویی او می‌تواند مصداق خوبی برای کار تیمی، مشارکت، جسارت و قدرت انتخاب باشد.

امیدوارم که از دیدن این انیمیشن جذاب کلی انرژی بگیرید و در راه رسیدن به اهداف، شجاعتی خارق‌العاده در شما شکوفا شود.

#### منابع:

ای‌یانگ، جفری: زندگی خود را دوباره بیافرینید. ترجمه‌ی سارا حسینی عطار، تهران: شمشاد، ۱۳۹۹

آبراهام، آمیت: رشد شخصیت با تفکر مثبت. ترجمه‌ی شهرام نعمت‌زاده، تهران: مدبر، ۱۳۸۶